

اسناد فارسی روزگار مغول*

Gottfried Herrmann, *Persische Urkunden der Mongolenzeit. Text- und Bildteil.* Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2004, 205pp., 119. Abbildungen. (Documenta Iranica et Islamica, Band 2). ISBN 3-447-04901-4

از میان حدود ۶۰۰ سند و پاره‌سند، تنها آنچه را سند دیوانی تشخیص داده برگزیده‌اند و ظاهراً بی‌توجه به بقیه اسناد مجموعه که در واقع اجزای دیگر یک پیکر واحد هستند، این پژوهش را انجام داده‌اند. اگرچه ایشان از اسناد مرتبطی که در این مدت منتشر شده، چون آثار ارزشمند خانم گرونکه (M. Gronke) بهره گرفته‌اند، اما بی‌توجهی به بقیه اسناد (که تصویر آنها در دانشگاه توپینگن وجود داشته) باعث بروز مشکلاتی تأمل برانگیز شده است:

به عنوان نمونه*، سند شماره ۳ (مورخ سال ۶۰۰ق) که در محدوده تاریخی عنوان کتاب قرار نمی‌گیرد و تنها یک یادداشت از احمد صاحب‌دیوان به تاریخ ۶۹۲ق دارد، به شکل سندی ناقص با ۱۸سم طول معرفی و بازخوانی شده است؛ اما دوباره دیگر این سند در مجموعه وجود داشته و اکنون سندی کامل با اندازه سند ۳۲۷ سم. است. صادرکننده این مثال (فرمان) نصرت‌الدین ابوبکر بن محمد از اتابکان ایلدگری آذربایجان است و در روی دیگر سند استشهادیه‌ای هم به تاریخ سال ۶۰۰ق در باب املاک مورد اشاره دارد. اگرچه جناب هرمان خود در مقاله منتشر شده در سال ۱۹۹۴ به مناسبتی به یک پاره از این سند با طغرای ابوبکر بن محمد اشاره کرده، اما ظاهراً متوجه ارتباط آن جزء با سند شماره سه نشده‌اند.^۲ نمونه دیگر سند شماره ۱۲ است که بخش اول آن در میان پاره‌سند های همین مجموعه وجود دارد. در کتاب تنها ۲۷ سم. از پایان سند معرفی شده و حال آنکه اصل سند ۶۷ سم. است.

در باب موضوع و مضمون بسیاری از اسناد دیوانی معرفی شده در این مجموعه، سندهای مکمل و مرتبط با موضوع وجود دارد

در مجموعه حاضر تنها ۲۸ سند از آن مجموعه که به نظر دقیق مؤلف دارای نکته‌ای سندشناسانه بوده است، منتشر شده و حتی چند سند مربوط به دوره یادشده که پیش‌تر توسط مؤلف محترم به چاپ رسیده، در این کتاب تجدید چاپ نشده‌اند.

کتاب در ۳۳۲ صفحه قطع رحلی و شامل مقدمه‌ای در باب اسناد دوره مغول، و حاوی فصل‌هایی در باب مطلع اسناد، تحلیل و تقسیم‌بخش متن، بخش پایانی (چون تاریخ و ذکر محل)، مراحل ثبت سند، و مبحث مهرها در اسناد این دوره است (۴۵ صفحه). بخش دیگر کتاب ارائه متن اسناد همراه با حواشی و توضیحات لازم در باب اشخاص و اماکن و اصطلاحات هر سند است (۱۴۰ص). در پایان نیز تصاویر ۲۸ سند منتشر شده است. کتاب حاوی فهرست کسان و خاندان‌ها، جای‌ها، عناوین و القاب و مشاغل، و فهرست اصطلاحات و واژه‌ها و مفاهیم تخصصی است.

این کتاب مسلماً اکنون تنها مرجع تخصصی در باب اسناد فارسی دوره مغول است و مسلماً تا سالیان دراز نیز منحصر به فرد خواهد ماند. در این نوشته تنها به ذکر نکاتی در باب روش کار و نیز به قرائت برخی واژه‌ها می‌پردازیم.

پروفسور هرمان به دلیل شرایط خاص بقعه، در سال‌های اول دهه ۵۰ و در شرایطی که امکان اشراف کافی بر کل مجموعه وجود نداشت،

در جریان مطالعات بقعه اردبیل به همت سازمان یونسکو در سال ۱۹۷۰، تنی چند از محققان غیر ایرانی چون ویور (M. E. Weaver) و مورتون (A. H. Morton)، مجموعه اسناد موجود در اردبیل را مورد توجه قرار دادند. پروفسور گوتفرد هرمان (Gottfried Herrmann) نیز جزو اولین کسانی بود که با مشاهده اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی متوجه اهمیت آنها شده و برای اولین بار میکروفیلمی از اسناد دیوانی این مجموعه را برای خویش تهیه کرد. کمی پس از ایشان نیز به همت پروفسور فراگنر (B. Fragner) از کل اسناد این مجموعه برای دانشگاه فرای‌بورگ تصویربرداری شد، اما اسناد دیوانی - به جز موارد اندکی که از چشم هرمان دور مانده بود - در دسترس آنان قرار نگرفت.

هرمان یک سال بعد، اولین سند این مجموعه را منتشر کرد و همان‌جا وعده انتشار کتابی را در باب اسناد دیوانی مغول داد. در فاصله انتشار اولین مقاله تا سال ۲۰۰۴ (۳۴ سال بعد) نیز دو مقاله مشترک با پروفسور دورفر (G. Doerfer) و پنج مقاله مستقل در معرفی و تحلیل چند سند از این مجموعه (دو سند پس از دوره ایلخانی و یکی پیش از آن) را منتشر ساخت.^۱

اسناد دیوانی مجموعه از دوره ایلخانی شامل حدود ۷۵ سند و پاره‌سند است. اما

* با سپاس از جناب پروفسور هرمان که نسخه‌ای از اثر ارزشمند خویش را از سر لطف برای این جانب ارسال داشته‌اند. نیز یادآور می‌شوم که نوشتن این یادداشت بدون همراهی و لطف سرکار خانم فرانک بحرالعلومی و ترجمه بخش‌هایی از این کتاب ممکن نبود. خدايشان موفق بدارد.

^۱ دو مقاله از آثار ایشان به سفارش این جانب به فارسی برگردانده شد. (۱) «فرمان سلطان حسین جلایری، ترجمه علی عبداللهی، وقف میراث جاویدان، س ۸ (بهار ۱۳۷۹)، ش ۲۹: ۱۱۵-۱۱۳. ۲. «اسناد دیوانی فارسی در دوره مغولان؛ فرمانهای امیران و وزیران». ترجمه فرانک بحرالعلومی، همان، (بهار - تابستان ۱۳۸۰)، ش ۳۳-۳۴: ۱۶۵-۱۷۵). نیز یادآور می‌شوم که این جانب اولین بار در سال ۱۳۷۲ حدود ۶۰ سند از اسناد بقعه را در آرشیو سازمان اوقاف یافتیم و پس از انتشار یک سند در مجله وقف، میراث جاویدان (ش ۴)، تمام مجموعه را به قصد انتشار بازخوانی کردم. سپس به سراغ بقیه اسناد در موزه ملی رفتم و به صورت پراکنده از آن سال تا سال ۱۳۷۹ فهرستی اجمالی از کل اسناد را تهیه کرده (زیر چاپ) و تمام اسناد دیوانی (حدود یکصد سند) را نیز بازخواندم.

^۲ ایرج افشار، «اسناد فارسی روزگار مغولی»، نامه بهارستان، س ۵، ش ۱-۲ (بهار - زمستان ۱۳۸۳)، دفتر ۹-۱۰: ۳۶۳-۳۶۶.





که از آنها استفاده نشده است. در صورتی که بررسی هر کدام می‌توانست شناخت ما را از موضوع سند کامل‌تر نموده و راهنمای خوبی برای حل مشکلات و ابهامات متن، شناخت درست نام‌های اشخاص و اماکن و حتی نکات سندشناسانه باشد. برای نمونه دربارهٔ سند شماره ۱۵، چند سند دیوانی دیگر وجود دارد.

چند سند مشابه با سند شماره ۲۸ نیز وجود دارد که می‌توانست در نتیجه‌گیری و شناخت این نوع خاص از اسناد این دوره مفید باشد. البته لازم به یادآوری است که در میان اسناد بازمانده از بقعه که به دورهٔ مورد نظر کتاب باز می‌گردد، همچنان اسناد دیوانی مهم و قابل توجهی وجود دارند که حاوی نکات ارزشمند سندشناسی هستند. آیا انتخاب این تعداد سند دیوانی از میان حدود ۷۵ سند مربوط به دورهٔ مورد نظر، بدون معرفی و حتی ارائهٔ فهرستی از بقیهٔ اسناد مربوط، توجیهی دارد؟

نکاتی در قرائت اسناد:

بدیهی است هدف اولیهٔ بازخوانی متونی از این دست، پیش از هر چیز انتقال درست جملات و مفاهیم به خوانندهٔ غیرمتخصص در امر سندخوانی است. بنابراین اضافه نمودن علایم ویرایشی - که از لوازم این امر است - ضروری می‌نماید. اما در متون بازخوانی شده هیچ علامتی دیده نمی‌شود. از سوی دیگر بازخوانی درست سند در برداشت درست ما از متن و نیز تحلیل سند و انتساب آن نقشی اساسی دارد. اگرچه جناب هرمان به رغم پیچیدگی‌های خط تعلیق به خوبی از عهدهٔ این مهم برآمده‌اند اما همچنان مواردی را می‌توان خواند و یا می‌توان پیشنهاد قرائت دیگری را مطرح ساخت. نکات یادآوری شده توسط استاد ایرج افشار در این نوشته تکرار نشده است و چنان‌که استاد ارجمند یادآور شده‌اند، بیان این نکات به هیچ وجه از اهمیت کار ارزشمند هرمان نمی‌کاهد.

سند ۱

س ۳ و ۵: در متن «کی» نوشته شده نه «که».

سند ۲

س ۲، ۴، ۶: لازم است در کنار کلمات حصه، وقفیه، لقمه، به جای همزه، [ای] اضافه شود. س ۵: «تا آنجائیکه زاویهٔ سازند» ظاهراً «آنجاگیکه زاویه [ای] سازند» درست است و نیز همین کلمه در سطر ۱۰.

سند ۳ (سجلات)

B11: کلمهٔ ناخوانده «بن الطیب» است.
D2: آنچه «علوان» خوانده شده، «عدول» است. «عدول و مشاهیر»، یا «عدول و ثقات» ترکیب رایجی در اسناد قضایی است.
G2: خط تیره در تایپ فارسی اشتباهاً قبل از «هم» ضمیر قرار گرفته است.
F1: کلمهٔ اول، «احوالاً» درست است.
H4: کلمهٔ ناخوانده «نیبه» است.
I3: کلمهٔ ناخوانده «گواهی» است.
K3: «چون ملک» نادرست و «حق [و] ملک» درست است.

K5: کلمهٔ ناخوانده «از آن» است.

K8: کلمات ناخوانده «بدورسیده است» است.

L3: کلمهٔ ناخوانده «فخ» نیز تواند بود.

N4: کلمهٔ ناخوانده «عبدالماجد» است.

سند ۳ (متن)

س ۱: کلمهٔ ناخوانده «ایشان را» است. ادامهٔ متن در اصل سند: «هیچ کس متعرض نباشد» است.

س ۸: «امجد الملوک» نادرست و «اجل الملوک» صحیح است.

س ۱۵: کلمهٔ ناخوانده «گرشاسب» است.

س ۱۶: «به اسم» نادرست و «به نام» درست است.

س ۲۵: کلمهٔ ناخوانده: «نعم المعین» است.

سند ۴

س ۵: «اینچو بزرگ»، نادرست است. کلمهٔ «اینچو» به رسم رایج، خارج از متن نوشته شده و آن را باید بعد از کلمهٔ بزرگ

و به صورت: «بزرگ اینچو» خواند. س ۱۲: «مبالغه» نادرست و «مبایعه» درست است.

س ۲۴: «تا این» ظاهراً «و این» است.

سند ۵

«حقیقت داند»، به قیاس موارد مشابه، «حقیقت دانند» است

سند ۷

س ۸: «ذلک هذا» نادرست و «تلك هذا» درست است.

س ۱۴: ظاهراً به جای «داشتند» باید «داشته» باشد.

س ۲۰: تصرف به وضوح «کتصرف» است و اصطلاحی رایج در مبایعه‌نامه‌ها.

سند ۸

س ۵: حرف دوم آنچه «برورکنان» خوانده شده، مسلماً دال یا ذال است.

س ۱۲: به جای «آن باب»، «این باب» درست است. و به جای «کسی»، «کس».

همین کلمه در سطر ۱۳ نیز همین‌طور.

سند ۹

س ۱۳: به جای «جهد سازند»، «چنان سازند» درست است.

س ۱۵: حرف آخر نام محل، ظاهراً همزه است نه «یه».

سند ۱۰

س ۹: به جای «واجب» «را حسب» درست‌تر می‌نماید.

سند ۱۲

س ۹: کلمهٔ ناخوانده، «همواره» است.

س ۱: به جای «بعذر» «به علت» درست‌تر می‌نماید.

س ۳: کلمهٔ ناخوانده «الثالث» است و میان «اربع ثلثین» «و» دارد.

ص ۱۱۲: با توجه به نحو جمله، «اگرنج» (نام امیر) مسلماً نمی‌تواند درست باشد.



این کلمه «رجوع» یا «تصریح» است. سه مهر از چهار مهر خوانده نشده می‌تواند: «خلیل»، «اخى على»، و آخرین مهر «محمد...» باشد.

سند ۱۳

س ۲: کلمه ناخوانده «شهاب‌الدین» است. س ۳: به رغم توضیح داده شده، معتقدم دو کلمه پیش از «سوزی» غیر از «پیر محمد» نیست. در مهر او نیز کلمه «... محمد» خوانده می‌شود. س ۱۰: کلمات ناپیدا در تصویر، «خمس و ثلاثین» است.

سند ۱۴

س ۱۱: کلمه خوانده نشده «جشنی» است که از نام‌های رایج این دوران است. به جای «هو الفتح» «له الفتح» درست است.

بخش‌های خوانده نشده متن مهر سلطان سلیمان چنین است: در چهار گوشه نام چهار خلیفه است و کلمات «و عمر»، «و عثمان»، «و علی» به وضوح دیده می‌شود. از متن حاشیه: «رضی الله تعالی عن [الخلفاء الراشدين] / و اصحابه الكرام العابدین(?)» خوانده می‌شود.

در وسط به کوفی معقلی: کلمات «لملكه (?) سلیمان» قابل تشخیص است. در حاشیه به همان خط: «از حکم یرلیغ و آل تمغاء مبارک [یا همایون] / پادشاه اسلام / سلطان سلیمان».

در چهار دایره حاشیه دوم نیز کلمات «تسع و عشر» خوانده می‌شود که اگر تاریخ مهر باشد، این مهر را باید کهن‌ترین مهر تاریخ دار دانست. و پس از آن مهر خانقاه شیخ ابواسحاق کازرونی به تاریخ ۷۵۷ق.

سند ۱۵

س ۱۵: آنچه «گورانسرای» خوانده شده، مسلماً شکل غلط‌نویسی شده «کاروانسرای» است. در اسناد دیگر مربوط به این واقعه،

اشتباهات از این دست فراوان است. B: بعد از کلمه امیر «امیران» هم درست تواند بود در حاشیه سند، تمغایی به شکل II وجود دارد که به آن اشاره‌ای نشده است.

سند ۱۶

س ۲: کلمه ناخوانده «اشارت» است. س ۷: «شارع عام» «شارع عامر» تایپ شده است. میان دو حرف اول نام «کمدول» مسلماً حرف «ر» نیز وجود دارد. س ۱۱: «رابع» عشر است نه «تاسع» عشر.

سند ۱۷

س ۲: «هلان»، «هولان»، تایپ شده است. س ۴: به جای «شمس‌الدنیا»، «شمس‌المله» کلمه رایج‌تری است. س ۱۴: کلمه خوانده نشده، «سواد» تواند بود.

سند ۱۸

س ۵: آنچه در کلمه «اهر» مدالف خوانده شده، پارگی سند است. س ۸: جلال «المله» رایج‌تر و درست‌تر از جمال «الدنیا» است.

Z1: دومین کلمه ناخوانده، الحمد «لوفی» است.

سند ۱۹

س ۴: آنچه در تصویر به خاطر تاخوردگی دیده نمی‌شود، در اصل سند: «جمال» الدین است. س ۸: کلمه ناخوانده «حرازه» است به معنی تخمین‌کننده (حرازه نیز درست است).

Z4: «مقرراً من ... آنجا» به صورت «مقرراً من ابتدای سنه چهل الخانیه» قابل اصلاح است.

ZI: «اثبت وله النجاه» به «وله العزه» تبدیل شود. ناخوانده بعدی، «وله الحمد علی نعمه» است. کلمات ناخوانده نیز: «وقوف یافت» است دو مهر ناخوانده پشت سند ۱۹ که از مهرهای آستانه شیخ صفی در دوره صفوی است: «فوضت امری الی الله» و «وقف حظیره مقدسه صفویه» است.

سند ۲۰

س ۱: کلمه ناپیدا در تصویر، در نسخه اصل «و مدال و اهتمام حکام» و در سطر ۲ «قاصر» است.

سند ۲۱

س ۲: در راه، «از راه» است. س ۸: کلمه ناخوانده «متصل گردد» است. Z2: له به جای «وله النجاه»، «وله العزه» مناسب‌تر است. و کلمه ناخوانده: «وله الاعانه».

سند ۲۲

Z2: کلمات ناخوانده: «وقف علی» است.

سند ۲۳

س ۸ و ۹: «دانند تا» نادرست و «داشته، با» درست است.

سند ۲۴

س ۷: آنچه «گوشه» خوانده شده، «کوشن» است. پشت این سند که تصویر آن ارائه نشده است، نوشته شده است: «حکم سلطان شاه هم در باب قریه چرر».

سند ۲۶

س ۳: املاک خانی، «املاک خاصه» خوانده می‌شود و مناسب‌تر است. س ۱۲: «نسخ منقح»، «نسخه منقحه» خوانده می‌شود.

سند ۲۷

س ۳: کلمه ناخوانده در نام صادرکننده «حسن(?)» است.

سند ۲۸

س ۸: ظاهراً «شریفه» نادرست و تنها «کی» نوشته شده. و آن هم مسلماً به اشتباه زودتر از جمله دعایی آمده و پس از آن هم تکرار شده است.

عمادالدین شیخ‌الحکمایی
(مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران)



نقد و معرفی
فصل اول

مقدمه
مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی
مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی

مقدمه بر نقد و معرفی